

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۲۳

صالحه واهب واصل

آزادی در بند...



یاد تو کابل
Shaim Rahimi

منم آن دختر آزاد، که در بند اسیرم
ثروت هستی به دامان، ولی زار و فقیرم
خانه ام قصر طلایی
ققسم باز و بزرگ است
تنم از جامه رنگین
همه پوشیده چو شاهان
ولی از بهر کلامی، بدر خانه ای
خاموش گدایم

منم آن مرغ زرین بال، به سر شاخه تنها
پژد و أفند و خیزد، به غم خویش بسوزد
با خود از درد بگوید
ز خود همدرد بجوید

منم آن ماهی دربند
که از تشنگی در آب، ... بمیرم
اشک سوزان مرا هیچ کسی
بیند و داند
لیک برسینه آب، اشک من آتش بفروزد
هر طرف شیشه دیوار
همه شاد، از تپش من
لیک من ماهی حیران
که جدا مانده ز دریا

منم آن طفل نو آموز
که دو دستم ز خودم نیست
پایم آن راه بگیرد که برایم بنمایند
چه بگویم، ز کی گویم
بهر کی لب بگشایم
جز من این جا دگری هست؟
که داند سخنم را
در و دیوار درین خانه دگر تاب ندارد
همه از شدت غوغا و نفیرم
به ستوه اند

منم آن دختر افغان که از بدو تولد
جای آزادی به من
درس اسارت شده تدریس

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

جای بگرفتن حق
ز حق گذشتن شده ترزیق
چه بگویم
به کی گویم.....
که شوم آب ز شرمی
که من آن معنی آزادی ندانم که چه باشد

آید آنروز خدایا؟
که من هم مثل یک انسان
شکنم بند اسارت
بپریم سوی افق ها
شاید آنروز رسد
لیک
همان روزی که شود روح من آزاد
تن من خاک شود در بر سنگ در و دیوار
شاید آنروز بمیرم
که ببینم شدم آزاد
منم آن گمشده در خود که
نماندست اثر از من
منم آن دختر آزاده که در بند اسیرم.....